

گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

محمد هادی قهاری کرمانی^۱

چکیده

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیقی غیر از مورد نزول آیه تطبیق شده است. از این روایات به «روایات جری» تعبیر می‌شود. این ویژگی قرآن که از آن به «قاعده جری و تطبیق» یاد می‌شود، ضامن جاودانگی قرآن است. این پژوهش، به گونه‌شناسی و تحلیل روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است. ابتدا این روایات از بین روایات تفسیری استخراج شدند و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و در نهایت با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سه گونه قابل تقسیم: ۱. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان؛ ۲. روایات بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان؛ ۳. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان. در گونه نخست، واژگانی مانند «غیب» و «عصر»؛ در گونه دوم، واژگانی مانند «رابطوا»، «عذاب»، «متوسم»، «سلطان»، «منصور» و «مضطر»؛ و در گونه سوم، واژگانی مانند «بقیت الله»، «ساعت»، «صراط سوئی»، «بئر معطله»، «کوکب درئی»، «ماء»، «فجر»، «وتر»، «ضحی»، و «نهار»، بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده‌اند.

واژگان کلیدی: جری، تطبیق، قاعده جری و تطبیق، روایات جری، انواع جری و تطبیق، امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

مقدمه

از ویژگی‌های قرآن کریم جاودانه بودن آن است؛ زیرا این کتاب سند کامل‌ترین ادیان آسمانی است که این دین کامل، ناسخ تمام ادیان پیشین است و پاسخ‌گوی نیازهای بشر در طول اعصار و قرون تا قیامت خواهد بود. معارف قرآن مختص عصر مخصوصی نیست. قرآن آنچه را فضیلت می‌خواند، در همه ادوار بشر، فضیلت است و آنچه را ردیلت و ناپسند می‌شمرد، همیشه ناپسند و زشت است. همچنین آنچه از احکام عملی تشریع می‌کند، مخصوص عصر نزول و اشخاص آن عصر نیست، بلکه تشریعی است عمومی، جهانی و ابدی. بیانات قرآن عمومیت دارد و تعلیل‌های آن مطلق است. برای نمونه، مدح یا مذمتی که در حق جمعی از مؤمنان یا کافران وارد شده و به وجود صفاتی خاص در آن‌ها معلل است - در صورتی که همان صفات را در دیگران نیز بیابیم - نباید مخصوص همان افراد دانست. بنابراین، اگر در شأن نزول آیات، روایاتی آمده است که مثلاً می‌گوید آیه‌ای بعد از فلان جریان نازل شده، یا آیاتی درباره شخص یا واقعه‌ای خاص نازل شده است؛ نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم؛ زیرا اگر این‌گونه فکر کنیم، باید بعد از انقضای آن واقعه یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز ساقط شود؛ حال آن‌که حکم آیه، مطلق است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۴۲). پس، قرآن کتابی است که آیات آن در غایب همانند حاضر، جاری است و بر حال و آینده همانند گذشته، جاری و منطبق می‌شود. همه احکام، قوانین، اوصاف و ویژگی‌های آن از مرزهای مکانی و زمانی فراتر است. از این ویژگی قرآن کریم در روایات به «جری» تعبیر شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۱۶۷).

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیقی غیر از مورد نزول آیه تطبیق شده است. از این روایات، تحت عنوان «روایات جری» نام برده می‌شود. این ویژگی قرآن که از آن به «قاعده جری و تطبیق» یاد می‌شود؛ ضامن جاودانگی قرآن است. از آنجا که از یک سو در منابع روایی، روایات جری - که در زمره روایات تأویلی به شمار می‌روند - از روایات تفسیری، جداسازی نشده و از سوی دیگر، مصادیقی که آیات قرآن بر آن‌ها تطبیق شده است، انواع گوناگونی دارند؛ استخراج روایات جری از بین روایات تفسیری و گونه‌شناسی آن‌ها اهمیت و ضرورت می‌یابد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که «روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه

گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند؟» در پاسخ به سؤال مذکور، ابتدا این روایات جری از بین روایات تفسیری استخراج شده، و مورد مطالعه قرار گرفت و پس از تحلیل آن‌ها، گونه‌ها و انواع مختلف این روایات کشف گردید.

در مقاله دیگری از نگارنده به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه «قاعده جری و تطبیق» اشاره شده است (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۳: ص ۸۷-۸۸). اما در زمینه «گونه‌شناسی روایات جری» پژوهش‌های ذیل قابل ذکر هستند: مقاله «گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری»، روایات جری را در شش گونه طبقه‌بندی کرده و به تحلیل هر یک از آن‌ها پرداخته است (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ الف: ص ۱۸۶-۲۰۶). در مقاله «گونه‌شناسی تحلیلی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، روایاتی که علامه طباطبایی بر آن‌ها جری و تطبیق اطلاق کرده، دسته‌بندی و تحلیل شده است (ر.ک: همان، ۱۴۰۲ ب: ص ۲۵۱-۲۷۴). مقاله «گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری در نهج البلاغه»، به گونه‌شناسی و تحلیل موارد جری و تطبیق در نهج البلاغه پرداخته است (ر.ک: همان، ۱۴۰۲ ج: ص ۱۷۰-۱۷۸)؛ و مقاله «گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری؛ مورد مطالعه: سوره آل عمران»، به گونه‌شناسی و تحلیل روایات جری در سوره آل عمران پرداخته است (ر.ک: همان، ۱۴۰۳: ص ۹۰-۹۹).

همچنین، در زمینه روایات جری مرتبط با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو پژوهش مشاهده شد: یکم، مقاله «گونه‌شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری» که به تقسیم‌بندی آیات مهدویت و روایات ذیل آن‌ها پرداخته و آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرده است: تفسیر آیات در مهدویت، تطبیق آیات بر مهدویت، تأویل و بطن آیات در مورد مهدویت و آیات مرتبط با مهدویت (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ص ۶۰-۷۴). تفاوت پژوهش حاضر با این مقاله در این است که اولاً، در مقاله یاد شده، روایاتی که آیات را بر مصادیق باطنی تطبیق کرده‌اند، از زمره روایات جری خارج دانسته و آن‌ها را تحت عنوان روایات تأویل و بطن آیات به شمار آورده است. این، در حالی است که نگارنده در مقاله دیگری اثبات کرده است روایاتی که آیات را بر مصادیق باطنی تطبیق کرده‌اند، در زمره روایات جری محسوب می‌گردند (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ الف: ص ۱۹۱-۲۰۳)؛ ثانیاً، در مقاله مذکور به گونه‌شناسی روایات جری پرداخته نشده است.



دوم، مقاله «قاعده جری و تطبیق در تفسیر آیات مهدویت» که مبانی قاعده جری را تبیین کرده و آیاتی را که در روایات بر مهدویت تطبیق شده، جمع‌آوری کرده و ادله تطبیق آیات را بیان کرده است (ر.ک: المصری و ماهرزاده، ۱۴۰۰: ص ۴۵-۵۸). تفاوت تحقیق حاضر با این مقاله در آن است که اولاً، در مقاله یاد شده استقرای تام نسبت به استخراج روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرفته و ثانیاً، به گونه‌شناسی روایات جری پرداخته نشده است.

۲. مفهوم‌شناسی جری و تطبیق

۲-۱. جری و تطبیق در لغت

«جری» به معنای روان شدن، جریان داشتن و حرکت منظم در طول زمان است. از این‌رو، این واژه برای حرکت کشتی، حرکت خورشید، وزیدن باد، دویدن اسب و روان شدن آب استفاده می‌شود (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۲۳۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۱۹۴ و ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۱۴۰). «تطبیق» از ریشه «طبق» به معنای قرار گرفتن دو چیز برهم و همپوشانی کامل آن دو بر یکدیگر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۱۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۲۰۴ و مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۷۷).

۲-۲. جری و تطبیق در اصطلاح

علامه طباطبایی در تعریف «جری» چنین نگاشته است:

مقصود از جری این است که قرآن شریف از حیث انطباق بر مصادیق، وسعت داشته، به موارد نزول آیات اختصاص ندارد، بلکه در هر موردی که به لحاظ ملاک با مورد نزول متحد باشد، جاری می‌گردد؛ مانند مَثَل‌هایی که خاص موارد اولیه نیستند، بلکه در هر چیز که مناسبتش محفوظ باشد، جاری می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۶۷).

وی ذیل آیه ۷ سوره آل‌عمران صریحاً جری را تعیین مصداق آیه دانسته است و می‌نویسد:

این‌که در روایت آمده قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد، هم تأویل و هم تنزیل را شامل می‌شود. در مرحله تنزیل، منطبق بر همان اصطلاحی است که در اخبار با عنوان جری آمده است که بر انطباق معنای کلام بر مصداق آن دلالت دارد؛ مانند

انطباق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۲۰)، بر همه مؤمنان متأخر از زمان نزول آیه که این خود نوعی از انطباق است؛ و نوع دیگری که دقیق‌تر از آن است، انطباق آیات جهاد بر جهاد نفس، و انطباق آیات منافقان بر فاسقان از مؤمنین است؛ و نوع سوم آن، که باز از نوع دوم دقیق‌تر است، انطباق آیات منافقان و آیات مربوط به گنهکاران، بر اهل مراقبت و اهل ذکر و حضور قلب است، که اگر احیاناً در مراقبت و ذکر و حضورشان کوتاهی و یا سهل‌انگاری کنند، در حقیقت، نوعی نفاق و گناه مرتکب شده‌اند؛ و نوع چهارم که از همه انواع انطباق دقیق‌تر است، انطباق همان آیات منافقان و گنهکاران است بر اهل مراقبت و ذکر و حضور، در قصور ذاتی‌شان از ادای حق ربوبیت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۷۲).

دقت در مثال‌های مذکور نشان می‌دهد که مراد علامه از مصداق، «ما ينطبق عليه المفهوم» است که هم مصداق عینی خارجی و هم مفاهیم فراگیری-که مفاهیم دیگری را در بر می‌گیرد-، شامل می‌شود. همچنین، همنشینی تعبیر «من قبیل الجری» با تعابیری مانند «التطبیق» و «الانطباق» در تفسیر المیزان، نشان می‌دهد که از نظر علامه، جری عبارت است از تطبیق دادن آیه بر مصادیق آن (نفیسی، ۱۳۹۲: ص ۸). بنابراین، جری به معنای جریان داشتن قرآن است که از لوازم این جریان آن است که بر مصادیق جدیدی غیر از مورد نزول آیه تطبیق می‌کند؛ خواه این مصادیق از مصادیق معنای ظاهری آیه باشند و خواه از مصادیق معنای باطنی آن.

۳. انواع روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با عنایت به آنچه گذشت، منظور از روایات جری، روایاتی هستند که در آن‌ها به بیان مصادیقی از آیه، غیر از مورد نزول آیه پرداخته شده است. نگارنده در اثری دیگر به گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری پرداخته است که در آن پژوهش روشن شد روایات جری دارای شش گونه متفاوت هستند. به دیگر سخن، روایات جری به دو گونه کلی قابل تقسیم هستند که عبارتند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیات؛ دو: روایات بیان‌کننده مصداق معنای باطنی آیات. گونه یکم به چهار نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارتند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ دو: روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات



در گذر زمان؛ سه: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ چهار: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان. گونه دوم به دو نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارتند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در زمان نزول؛ دو: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در گذر زمان (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ الف: ص ۱۹۱-۲۰۳). در ادامه، به استخراج و تحلیل گونه‌های روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته خواهد شد. قابل ذکر است که این روایات نوعاً در منابع متعددی نقل شده‌اند؛ اما در این مقاله از کهن‌ترین منبع، آدرس‌دهی شده است.

۱-۳. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن، واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده‌اند که بر مصادیق متعددی غیر از مورد نزول آیه قابل تطبیق هستند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده‌اند، به بیان مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول آیه پرداخته شده است. منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول، این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، در زمان نزول آیه، وجود داشته است؛ اگرچه ممکن است در دوران پس از زمان نزول آیه نیز مصادیقی در گذر زمان به وجود آید که با مصادیق آیه در زمان نزول مشابه باشند (همان، ۱۴۰۲ ب: ص ۲۶۰). با عنایت به این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان نزول قرآن، وجود نداشته‌اند؛ در بین روایات جری منطبق بر ایشان، این‌گونه جری وجود نخواهد داشت و این‌گونه از روایات جری، تخصصاً از بحث ما خارج خواهند بود.

۲-۳. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصادیقی از معنای ظاهری آیه‌اند که در دوران نزول آیه وجود خارجی نداشتند، بلکه این مصادیق در دوران پس از نزول آیه، محقق شده‌اند. در ادامه، به ذکر این‌گونه روایات که بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منطبق شده‌اند، پرداخته خواهد شد:

۱. از امام باقر علیه السلام در مورد واژه «غیب» در آیه: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (بقره: ۳) سؤال شد؛ حضرت فرمود: «منظور زنده شدن پس از مرگ، روز رستاخیز، قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و رجعت است»

(استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۳۳).

واژه «الغیب» در آیه ۳ بقره، مطلق است و همه مصادیق غیب را در بر می‌گیرد؛ اما در روایت مذکور بر قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام تطبیق شده است. از آنجا که قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام یکی از چهار مصداق مطرح شده در روایت مذکور و در عرض سه مصداق دیگر است؛ جری ذکر شده در این روایت از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۲. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره آیه: «وَالْعَصْرِ» (عصر: ۱) پرسیده شد؛ حضرت فرمود: «مراد از عصر؛ دوران قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام است» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۶).

واژه «العصر» در آیه ۱ سوره عصر، مطلق است و به معنای زمان و تاریخ بشر است که همه زمان‌ها را در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۷، ص ۲۹۴)؛ ولی در این روایت بر دوران قیام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۳-۳. روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن، واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده‌اند که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده‌اند، به بیان مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه پرداخته شده است که در زمان نزول موجود بودند؛ اگرچه ممکن است در دوران پس از زمان نزول آیه نیز مصادیقی در گذر زمان به وجود آیند که با مصادیق اتمّ آیه در زمان نزول مشابه باشند. منظور از مصداق اتمّ این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، معصوم یا دشمن معصوم باشد (قهاری کرمانی، ۱۴۰۲: ص ۲۶۱). با عنایت به این که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در زمان نزول قرآن، وجود نداشته‌اند؛ در بین روایات جری منطبق بر ایشان این گونه جری وجود نخواهد داشت و این گونه از روایات جری، تخصصاً از بحث ما خارج خواهند بود.

۴-۳. روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

در بسیاری از آیات قرآن، واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده‌اند که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده‌اند به بیان



مصدق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان پرداخته شده است. منظور از مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصداقی از آیه است که معصوم یا دشمن معصوم باشد و این مصداق در زمان نزول آیه وجود نداشته، بلکه پس از آن موجود شده است. در ادامه، به ذکر موارد این گونه روایات که بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است؛ می پردازیم:

۱. از امام صادق علیه السلام در مورد واژه «غیب» در آیه: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (بقره: ۳) پرسیده شد؛ حضرت فرمود: «منظور از غیب، حجتّ غایب می باشد» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۸).
واژه «الغیب» «در آیه ۳ سوره بقره، مطلق است و همه مصادیق غیب را در بر می گیرد؛ اما در روایت مذکور بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. بنابراین، جری ذکر شده در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می رود.

۲. از امام باقر علیه السلام در مورد آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾ (آل عمران: ۲۰۰) چنین روایت شده است: «بر انجام دادن واجبات، صبر کنید و در مقابل دشمنان تان، پایدار باشید و از امام منتظر، دفاع کنید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۹).

واژه «رَابِطُوا» در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران مطلق است و معنای وسیعی دارد که هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۲۳۴)؛ ولی در این روایت بر دفاع از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. لذا جری در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می رود.

۳. از امام صادق علیه السلام درباره آیه: ﴿وَلَنُيْخِزَنَّ عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ (هود: ۸) چنین روایت شده است: «منظور از عذاب، قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۴۱).

شبیه این حدیث دو روایت دیگر در منابع روایی وجود دارد (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۴۱ و قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۲۲).

واژه «العذاب» در آیه ۸ سوره هود، مطلق است و هرگونه عذاب را در بر می گیرد؛ اما در روایت مذکور بر عذابی که به واسطه قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر کفار نازل می شود، تطبیق شده است. لذا این جری، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان محسوب می گردد.

۴. از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

وقتی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند، همانند داوود علیه السلام میان مردم حکم می کند و به بیّنه و

دلیل و اثبات ادعای طرفین احتیاجی ندارد. خداوند به او الهام می‌کند و او با علم خود حکم می‌کند و هر گروه را از آنچه در دل می‌پروراند، آگاه می‌کند و با فراست و زیرکی، دوست را از دشمن می‌شناساند؛ همان‌طور که خدا فرموده است: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ﴾ (حجر: ۷۵) (مفید، ۱۴۱۳: ۲، ص ۳۸۶).

واژه «الْمُتَوَسِّمِينَ» در آیه ۷۵ سوره حجر، جمع محلی به الف و لام و عام است و همه کسانی را که با فراست و هوشیاری، حقیقت را از روی نشانه‌اش می‌شناسند، در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۱، ص ۱۱۳)؛ اما در روایت مذکور بر قائم آل محمد ﷺ تطبیق شده است که اسرار درون و باطن مردم را از روی چهره آنان می‌شناسند. لذا این جری از نوع مصداق اتمّ عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۵. از امام صادق علیه السلام درباره آیه: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾ (اسراء: ۳۳) چنین روایت شده است که فرمود: «منظور قائم آل محمد ﷺ است که قیام می‌کند و قصاص خون امام حسین علیه السلام را می‌گیرد» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۶۳).

نظیر این روایت، حدیث دیگری در منابع روایی موجود است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۹۰).

واژه «سُلْطَانًا» مطلق ولیّ دم مقتول مظلوم را شامل می‌شود؛ ولی در این احادیث بر امام مهدی علیه السلام تطبیق شده است که این جری از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۶. از امام باقر علیه السلام درباره آیه: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ (اسراء: ۳۳) چنین روایت شده است: «منظور امام مهدی علیه السلام است که نامش در آیه، منصور می‌باشد؛ چنان‌که خداوند احمد و محمد ﷺ را محمود، و عیسی علیه السلام را مسیح خوانده است» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۲۴۰).

نظیر این روایت، حدیث دیگری در منابع روایی موجود است (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۲۷۴).

واژه «مَنْصُورًا» مطلق ولیّ دم مقتول مظلوم را شامل می‌شود؛ ولی در این احادیث بر امام مهدی علیه السلام تطبیق شده است که این جری از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان



به شمار می‌رود.

۷. از امام صادق علیه السلام درباره آیه: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹) چنین روایت شده است: «اهل سنت معتقدند که این آیه در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن هنگام که قریش ایشان را از مکه بیرون راندند، نازل شده است؛ در حالی که منظور آیه، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ آن هنگام که ظهور و خونخواهی امام حسین علیه السلام کند» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۸۴).

نظیر این روایت، یک حدیث دیگر نیز مشاهده شد (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۴۱). عبارت «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلُمُوا» در آیه ۳۹ سوره حج، مطلق است و ظهور در همه کسانی دارد که جنگ بر آنان تحمیل گردیده است، و مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ ولی در روایات مذکور بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. بنابراین، جری در این روایات از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان می‌باشد.

۸. از امام باقر علیه السلام درباره آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (حج: ۴۱) چنین روایت شده است: «این آیه به آل محمد صلی الله علیه و آله تا آخرین امام، و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش اختصاص دارد؛ همان کسانی که خداوند آن‌ها را مالک شرق و غرب زمین خواهد کرد و دین را به وسیله او آشکار می‌کند و بدعت‌ها و باطل را به وسیله او و یارانش از میان برمی‌دارد» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۸۷).

آیه مورد بحث، مطلق است و در مورد همه کسانی است که هرگاه خدا در زمین به آن‌ها قدرت ببخشد، نماز برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ اما روایت مذکور، آن را بر آل محمد صلی الله علیه و آله تا آخرین امام، و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش تطبیق کرده است. بنابراین، جری در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان می‌باشد.

۹. از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

«هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند، وارد مسجد الحرام می‌شود و رو به قبله می‌ایستد؛ به گونه‌ای که مقام در پشت سر وی قرار گرفته باشد. سپس دو رکعت نماز می‌خواند و آن‌گاه برمی‌خیزد و می‌گوید: ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به آدم علیه السلام هستم؛ ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم؛ ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به اسماعیل علیه السلام

هستم؛ ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به محمد ﷺ هستم. سپس داستان خود را به طرف آسمان بلند می‌کند؛ آن قدر دعا می‌خواند و تضرع می‌جوید تا این که به صورت بر زمین می‌افتد و این همان گفتار خداوند است: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» (نمل: ۶۲) (استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۳۹۹).

نظیر این حدیث، چهار روایت دیگر با همین مضمون در منابع روایی وجود دارد (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۱۴؛ قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۲۹ و ۲۰۴ و استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۳۹۹).

واژه «الْمُضْطَرَّ» در آیه ۶۲ سوره نمل، مطلق است و هر مضطری را شامل می‌شود؛ اما در این حدیث بر حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام تطبیق شده است که این جری از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۱۰. از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام درباره آیه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (لقمان: ۲۰) سؤال شد؛ حضرت فرمود: «نعمت ظاهری، امام ظاهر است و نعمت باطنی، امام غایب» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۶۸).

عبارت «نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» در آیه ۲۰ سوره لقمان، مطلق است و همه نعمت‌های آشکار و پنهان خدا را شامل می‌شود؛ اما در احادیث مذکور بر امام ظاهر و امام غایب تطبیق شده است که مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌روند.

۱۱. از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام درباره آیه «وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (شوری: ۴۱) چنین روایت شده است: «آن کس که انتقام می‌گیرد، بعد از آنکه به وی ظلم شده است؛ قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام و یاران او هستند و کسی را بر ایشان راهی نیست» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۳۹۹).

عبارت «مَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ» در آیه ۴۱ سوره شوری، مطلق است و هر کسی را که مظلوم واقع شده است، در بر می‌گیرد؛ ولی در این روایت بر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تطبیق شده است. لذا این جری از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۳-۵. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در زمان نزول

مراد از «مصداق باطنی» آیه در زمان نزول، مصادیق باطنی آیات هستند که در زمان نزول



وجود داشته‌اند. گفتنی است که مصداق باطنی آیه با مصداق اطلاق یا عموم آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق اطلاق یا عموم آیه در حقیقت از اطلاق یا عموم معنای ظاهری آیه اتخاذ شده؛ اما مصداق باطنی آیه از معنای باطنی آیه استخراج شده است. همچنین، مصداق اطلاق یا عموم آیه برای غیرمعصوم نیز قابل تشخیص است؛ اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصادیقی را بیان کند، فاقد حجیت است (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ص ۷۸). از آنجا که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان نزول قرآن، وجود نداشته‌اند؛ در بین روایات جری منطبق بر ایشان این گونه جری وجود نخواهد داشت و این گونه از روایات جری، تخصصاً از بحث ما خارج خواهند بود.

۳-۶. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان

منظور از مصادیق باطنی آیه در گذر زمان، مصادیقی از معانی باطنی آیات هستند که در زمان نزول آیه وجود نداشتند، بلکه در دوران پس از زمان نزول، موجود شده‌اند. در ادامه، به ذکر و تحلیل این روایات که بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منطبق شده‌اند؛ پرداخته خواهد شد:

۱. از امام باقر علیه السلام در مورد آیه ﴿إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهاً وَاحِداً﴾ (بقره: ۱۳۳) پرسیده شد؛ حضرت فرمود: «این آیه در مورد قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جریان دارد» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۶۱).

جری ذکر شده در این روایت، از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود؛ زیرا معنای ظاهری آیه درباره موحد بودن فرزندان یعقوب علیه السلام است؛ اما در این روایت از آیه یاد شده الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری شده است؛ بدین معنا که ایشان نیز مانند فرزندان یعقوب موحد است.

۲. از امام صادق علیه السلام راجع به این سخن باری تعالی ﴿كَمْثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ﴾ (بقره: ۲۶۱) سؤال شد؛ حضرت فرمود: «منظور از دانه، فاطمه علیها السلام است و هفت جوانه، هفت فرزند او هستند که هفتمین آنان، قائم ایشان می‌باشد» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۴۷).

مصادیقی که برای واژه‌های «حَبَّة» و «سَبْعَ سَنَابِلَ» در این حدیث مطرح شده‌اند، غیر از مصادیق عرفی و ظاهری آن‌ها است. بنابراین، جری و تطبیق در این آیه از نوع بیان مصادیق

باطنی در گذر زمان می‌باشد. شیخ حرّ عاملی در شرح این حدیث گفته است: «این هفت نفر جزو ائمه دوازده‌گانه هستند و این روایت در صدد حصر ائمه علیهم‌السلام در هفت نفر نیست» (حرّعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۷۲).

۳. از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹) چنین روایت شده است: «منظور از النَّبِيِّينَ، مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌و و منظور از الصِّدِّيقِينَ، مرتضی علیه‌السلام و منظور از الشُّهَدَاءِ، حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام و منظور از الصَّالِحِينَ، نه فرزند از فرزندان حسین علیه‌السلام و منظور از حَسَنٌ أُولَئِكَ رَفِيقًا، مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۸۳).

نظیر این روایت، سه حدیث دیگر با اندک اختلاف در سایر منابع روایی مشاهده می‌گردد (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۴۲ و حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۱۹۷ و ۱۹۹).

عبارت «حَسَنٌ أُولَئِكَ رَفِيقًا» در آیه ۶۹ سوره نساء بر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تطبیق شده است. از آنجا که عبارت یاد شده در این معنا ظهور دارد که «آنان چه نیکو همدمانی‌اند»؛ این جری از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۴. از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ» (انعام: ۱۵۸) چنین روایت شده است: «مقصود [از آمدن بعضی از آیات پروردگارا]، خروج قائم منتظر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از ما [اهل بیت] است» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۵۷).

شبهه این روایت حدیث دیگری وجود دارد (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۸). عبارت «بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» در آیه ۱۵۸ سوره انعام، به نشانه‌های رستاخیز تفسیر شده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص ۴۶)؛ ولی در روایات مذکور بر خروج قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تطبیق شده است. لذا جری در این روایات از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۵. از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه «وَ أَذَأْ مِنْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» (توبه: ۳) چنین روایت شده است: «منظور، خروج قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۶).

در این روایت، روز «حج اکبر» بر روز خروج قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تطبیق شده است که مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۶. مردی از امام صادق علیه‌السلام پرسید:



آیا به امام قائم عجل الله تعالی فرجه با عنوان «امیرالمؤمنین» سلام می‌کنند؟ حضرت فرمود: «نه! خداوند آن نام را مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام نهاده است. پیش از او کسی به این عبارت نامیده نشده است؛ بعد از او هم جز کافر آن نام را برخود نبندد.» عرض کرد: قربانت شوم! پس چگونه بر او سلام کنند؟ حضرت فرمود: «می‌گویند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ!» سپس این آیه را قرائت فرمود: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود: ۸۶)» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۶۰).

۷. از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده است: «وقتی قائم ما ظهور کند، به کعبه تکیه می‌کند و سید و سیزده نفر نیز، دور او جمع می‌شوند. اولین سخنی که می‌گوید، این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» سپس می‌گوید: من، باقی‌گذارده خدا در روی زمینش هستم» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۳۰).

شبیه این روایت یک حدیث دیگر در سایر منابع روایی مشاهده می‌شود (ر.ک: اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۵۲۶).

منظور از عبارت «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ»، این است که اگر به خدای تعالی ایمان دارید، سود تجارتی که بقیه‌ای است الهی و خدای تعالی شما را از طریق فطرت‌تان به سوی آن بقیه، هدایت کرده؛ بهتر است از مالی که شما آن را از طریق کم‌فروشی و کم‌گذاشتن در پیمان‌ها و ترازو به دست می‌آورید (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۰، ص ۳۶۴). بنابراین، منظور از «بَقِيَّةُ اللَّهِ» سود تجاری است؛ ولی در این احادیث بر امام قائم عجل الله تعالی فرجه تطبیق شده است. لذا جری در این روایات از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به‌شمار می‌رود.

۸. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (حجر: ۸۷) چنین روایت شده است: «ظاهر سبع‌المثانی سوره حمد است، و باطن آن فرزندِ فرزند است و هفتمین از آن‌ها قائم عجل الله تعالی فرجه است» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۵۰).

شیخ حر عاملی درباره این حدیث معتقد است: «محتمل‌ترین تفسیر این است که منظور از آن، نوه امام حسین علیه السلام، یعنی امام باقر علیه السلام است؛ زیرا هفتمین نفر از فرزندان او، قائم عجل الله تعالی فرجه است» (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۷۵). عبارت «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِ» به معنای سوره حمد است؛ ولی در روایت مذکور بر هفت امام که هفتمین آن‌ها قائم عجل الله تعالی فرجه است، تطبیق شده است. لذا جری در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به‌شمار می‌رود.

۹. از امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (حجر: ۸۷) چنین روایت شده است: «منظور هفت امام و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۵۰).

با عنایت به توضیح شیخ حرّ عاملی ذیل حدیث قبل، احتمالاً منظور از هفت امام در این حدیث، هفت امام از نسل امام باقر علیه السلام است که هفتمین آن‌ها امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. عبارت «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» به معنای سوره حمد و قرآن کریم است؛ ولی در روایت مذکور بر هفت امام و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. لذا جری در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می رود.

۱۰. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَوْضَعُ جُنْدًا» (مریم: ۷۵) سؤال شد؛ حضرت فرمود: «منظور خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و همین، معنای ساعت است. آن روز خواهند فهمید که از جانب خدا به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه بر سر آن‌ها نازل شده است. این است معنای آیه «مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا»؛ یعنی نزد قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جایگاهش بدتر و لشکرش ناتوان تر است» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۴۱۱).

واژه «السَّاعَةَ» به قیامت تفسیر شده؛ اما در روایت مذکور بر زمان خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. لذا این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می شود.

۱۱. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ أَهْتَدَى» (طه: ۱۳۵) چنین روایت شده است: «منظور از الصِّرَاطِ السَّوِيِّ، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هر کس که به فرمان برداری از او راه یابد، هدایت شده است» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۳۱۷).

منظور از «الصِّرَاطِ السَّوِيِّ»، راه مستقیم دین داری است؛ ولی در روایت مذکور بر امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. لذا این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان می باشد.

۱۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود:

ای جابر! اگر روزگاری فرزندم، باقر را درک کردی، از جانب من به او سلام برسان. بدان که او همانم من و شبیه ترین انسان نسبت به من است. علمش مانند علم من است و حکمش نیز بسان حکم من می باشد. هفت نفر از فرزندانش امین و معصوم می باشند؛ آنان امامانی پاک هستند و هفتمین آنان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همان طور که از ظلم انباشته شده بود. سپس



رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء: ۷۳) خزاز رازی، (۱۴۰۱: ص ۳۰۲).

عبارت «أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»، به ابراهیم علیہ السلام، اسحاق علیہ السلام و یعقوب علیہ السلام اشاره دارد که علاوه بر مقام نبوت، مقام امامت به ایشان داده شده است؛ اما در روایت یاد شده بر امامانی از نسل امام باقر علیہ السلام که هفتمین آنان مهدی رَحِمَهُمُ اللّٰهُ تَعَالٰی است، تطبیق شده است. لذا جری در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان است.

۱۳. از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه «وَبِئْسَ مُعْطَلَةٌ وَاقْصِرْ مَشِيدٍ» (حج: ۴۵) چنین روایت شده است: «بئس معطله، چاهی است که آبی از آن برداشته نمی شود و منظور، امامی است که غایب باشد و تا زمانی که ظهور کند، از دانش او استفاده نمی شود» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۸۵). عبارت «بِئْسَ مُعْطَلَةٌ» در آیه ۴۵ سوره حج به معنای چاه پرآب متروک می باشد؛ ولی در روایت مذکور بر امام غایب تطبیق شده است. لذا جری در این جا از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان است.

۱۴. از رسول خدا ﷺ درباره «آیه نور» چنین روایت شده است:

ای علی! نُور، نام من است؛ مَشْكَاء، تو هستی؛ مُصْبَاحُ الْمُصْبَاح، حسن علی علیہ السلام و حسین علیہ السلام؛ الرُّجَاجَةُ، علی بن حسین علیہ السلام؛ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، محمد بن علی علیہ السلام؛ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ، جعفر بن محمد علیہ السلام؛ مُبَارَكَةٌ، موسی بن جعفر علیہ السلام؛ زَيْتُونَةٌ، علی بن موسی علیہ السلام؛ لَأَشْرَقِيَّةٌ، محمد بن علی علیہ السلام؛ وَ لَأَغْرِبِيَّةٌ، علی بن محمد علیہ السلام؛ يَكَادُ زَيْتُهَا، حسن بن علی علیہ السلام؛ يُضِيءُ، قائم مهدی رَحِمَهُمُ اللّٰهُ تَعَالٰی است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۸۰).

از امام صادق علیہ السلام روایت شده است: «مَشْكَاء، رسول خدا ﷺ است؛ مُصْبَاح، جانشین ایشان و دیگر امامان علیهم السلام؛ الرُّجَاجَةُ، فاطمه علیها السلام؛ شَجَرَةُ مُبَارَكَةٍ، رسول خدا ﷺ؛ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، قائم منتظر است؛ همان کس که زمین را از عدالت پر خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۲۱). با مقایسه معنای ظاهری آیه نور و آنچه در روایات مذکور مطرح شده است، روشن می شود که تطبیق «يُضِيءُ» و «كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» بر امام مهدی رَحِمَهُمُ اللّٰهُ تَعَالٰی از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان

محسوب می‌گردد.

۱۵. از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده است: «هنگامی که قائم ما اهل بیت ظهور کند، چنین می‌فرماید: ﴿فَقَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا﴾ (شعراء: ۲۱)؛ یعنی از شما بر جان خود ترسیدم؛ و چون پروردگارم به من اجازه فرمود و کارم را سامان بخشید، نزد شما آمدم» (بهاءالدین نیلی نجفی، ۱۳۶۰: ص ۱۷۵).

شبیه این روایت، دو حدیث دیگر نیز در متون روایی مشاهده شد (رک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۴).

آیه مورد بحث، درباره حضرت موسی علیه السلام است؛ ولی در روایات مذکور، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر امام مهدی علیه السلام تطبیق شده است. لذا جری در این روایات از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۱۶. از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آیه ﴿وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ (قصص: ۵) چنین روایت شده است: «آنان آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که خداوند، مهدی آن‌ها را پس از تلاش همه ائمه علیهم السلام برمی‌انگیزد تا آنان را عزیز و دشمنان‌شان را ذلیل گرداند» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۸۴).

نظیر این روایت، دو حدیث دیگر نیز قریب به این مضمون وجود دارد (رک: حلی، ۱۴۲۱: ص ۴۵۵ و بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۲۵۴).

عبارت ﴿الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ در آیه ۵ سوره قصص، در بنی اسرائیل ظهور دارد؛ اما در روایت مذکور بر آل محمد صلی الله علیه و آله و امام مهدی علیه السلام تطبیق شده است. بنابراین، جری در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان است.

۱۷. از امام رضا علیه السلام سؤال شد که قائم از اهل بیت شما کیست؟ حضرت فرمود:

چهارمین نفر از فرزندان من است که از سرور کنیزان متولد خواهد شد و پروردگار به وسیله او زمین را از هر ظلم و جنایتی پاک می‌کند، و قائم همان کس است که مردم در اصل ولادتش شک می‌کنند و قبل از ظهور و خروجش مدتی در غیبت خواهد ماند، هنگامی که از پشت پرده غیبت بیرون می‌آید: ﴿أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ (زمر: ۶۹) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۲۱).

قریب به مضمون این روایت دو حدیث دیگر در منابع روایی مشاهده شد (رک: مفید، ۱۴۱۳:



ج ۲، ص ۳۸۱ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۴۵).

در آیه ۶۹ سوره زمر، منظور از «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛ روشن شدن زمین به نور پروردگار در روز قیامت است؛ اما در روایت مذکور بر روشن شدن زمین به نور پروردگار در روز ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است. بنابراین، این جری از نوع مصداق باطنی در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۱۸. از امام باقر علیه السلام درباره آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰) چنین روایت شده است: «این آیه درباره امام غایب نازل شده است که می‌فرماید: اگر امام شما، از شما غایب شود و ندانید که او کجاست، کیست که امام ظاهری برای شما بیاورد تا اخبار آسمان و زمین و حلال خدا و حرام او را برای شما بیان کند؟» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۵).

شبیه این روایت، حدیث دیگری در منابع روایی موجود است (ر.ک: خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۱۲۰).

واژه «ماء» در آیه ۳۰ سوره ملک، به معنای آب چاه است؛ ولی در این روایت بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد. قابل ذکر است منظور از واژه «نَزَلَتْ» در عبارت «هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ» که در متن این حدیث آمده است؛ شأن نزول آیه نیست، بلکه مراد، تأویل آیه است (ر.ک: نجارزادگان، ۱۴۰۱: ص ۱۶۱).

۱۹. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَالْفَجْرِ» (فجر: ۱) چنین روایت شده است: «مراد از فجر، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۷۶۶).

واژه «فجر» در آیه ۱ سوره فجر به معنای سپیده صبح است؛ ولی در این روایت بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۲۰. از امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ» (فجر: ۳) چنین روایت شده است: «منظور از شفع، امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از وتر، اسم قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۸۱).



واژه «وتر» در آیه ۳ سوره فجر، به معنای فرد در مقابل زوج است؛ ولی در این روایت بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۲۱. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَالشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا» (شمس: ۱) چنین روایت شده است: «خورشید، امیرمؤمنان علیه السلام است و تابندگی آن، قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۷۷۶).

عبارت «ضُحَاهَا» در آیه ۱ سوره شمس به معنای نور خورشید است؛ ولی در این روایت بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۲۲. از امام حسین علیه السلام درباره آیه: «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» (شمس: ۳) پرسیده شد؛ حضرت فرمود: «منظور از روز، قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۶۳).

شبیه این روایت، حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام ملاحظه می‌شود (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۷۷۶).

واژه «نهار» در آیه ۳ سوره شمس، به معنای روز است؛ ولی در این روایت بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۲۳. از امام باقر علیه السلام درباره آیه: «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» (لیل: ۲) پرسیده شد؛ حضرت فرمود: «منظور از نهار، قائم از ما اهل بیت علیهم السلام است؛ وقتی قیام کند، بر دولت‌های باطل پیروز می‌شود» (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۴۲۵).

واژه «نهار» در آیه ۲ سوره لیل، به معنای روز است؛ ولی در این روایت بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۲۴. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (قدر: ۵) چنین روایت شده است: «حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»، یعنی تا این که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به پا خیزد» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۸۱).

عبارت «مَطْلَعِ الْفَجْرِ» در آیه ۵ سوره قدر، به معنای طلوع سپیده صبح است؛ ولی در این روایت بر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در

گذر زمان محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری منطبق بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که روایات جری مرتبط با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تنها در سه دسته از شش گونه کلی جری و تطبیق قابل استناد هستند و سه گونه دیگر که به زمان نزول مربوط بودند، به دلیل عدم وجود حضرت در عصر وحی، از دایره بحث خارج‌اند. با استخراج این روایات از میان منابع تفسیری و تطبیق آن‌ها با مبانی قاعده جری و تطبیق، روایات مذکور در سه گونه ذیل قابل طبقه‌بندی هستند:

گونه اول: روایات این گروه، بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان هستند که در این دسته، واژگان مطلق آیات مانند «غیب» و «عصر» بر مصادیقی مرتبط با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق یافته‌اند که در زمان نزول وجود خارجی نداشتند. فراوانی این گونه از روایات فقط دو روایت می‌باشد.

گونه دوم: روایات این گروه، بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان می‌باشند و این گروه روایاتی را شامل است که این روایات واژگان مطلق آیات را بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می‌دهند. از جمله این واژگان مطلق می‌توان به «غیب»، «رابطوا»، «عذاب»، «متوسم»، «سلطان»، «منصور»، «مضطر» و «نعمت باطن» اشاره کرد. تعداد این روایات بیش‌تر از گونه نخست است که فراوانی آن‌ها به بیست روایت می‌رسد.

گونه سوم: روایات این گروه، بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان هستند که در آن معنای باطنی آیات بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان مصداق باطنی آیه در گذر زمان تطبیق شده‌اند. در این روایات، واژگان یا عباراتی مانند «سبع سنابل»، «بقیت الله»، «سبع المثانی»، «ساعت»، «صراط سوئی»، «بئر معطله»، «کوکب درّی»، «ماء»، «فجر»، «وتر»، «ضحی»، و «نهار» بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده‌اند. فراوانی این روایات از دو گونه قبلی بیش‌تر است و بالغ بر ۳۷ روایت می‌باشند.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم، انتشارات علامه.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دار المرتضویة.
۳. ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز، انتشارات بنی هاشمی.
۵. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق). *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۶. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.
۷. بهاء الدین نیلی نجفی، علی (۱۳۶۰). *منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجة*، قم، مطبعة الخيام.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *الصحاح*، بیروت، دار العلم.
۱۰. حزامی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *إثبات الهداة بالانصوص و المعجزات*، بیروت، مطبعة الاعلمی.
۱۱. حسکانی، عبدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
۱۲. حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۳. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، قم، بیدار.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی (زمستان ۱۳۸۸). «گونه شناسی آیات مهدویت بر



۱۵. **اساس روایات تفسیری**، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۱، ص ۵۱-۷۸.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵). **کمال الدین و تمام النعمه**، تهران، اسلامیه.
۱۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). **الغیبه**، قم، دارالمعارف الإسلامیه.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). **تفسیر العیاشی**، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**، قم، هجرت.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). **تفسیر القمی**، قم، دارالکتاب.
۲۳. قهاری کرمانی، محمد هادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۸). «**ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن**»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، دوره ۲، شماره ۳، ص ۶۸-۹۶.
۲۴. قهاری کرمانی، محمد هادی (زمستان ۱۴۰۲ الف). «**گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری**»، فصلنامه علوم حدیث، دوره ۲۸، شماره ۴، ص ۱۸۶-۲۰۵.
۲۵. قهاری کرمانی، محمد هادی (پاییز و زمستان ۱۴۰۲ ب). «**گونه‌شناسی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبائی**»، دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث، دوره ۵۵، شماره ۲، ص ۲۵۱-۲۷۴.
۲۶. قهاری کرمانی، محمد هادی (تابستان ۱۴۰۲ ج). «**گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری در نهج البلاغه**»، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره ۲۲، شماره ۷۷، ص ۱۶۳-۱۸۰.
۲۷. قهاری کرمانی، محمد هادی (پاییز و زمستان ۱۴۰۳). «**گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری (مورد مطالعه سوره آل عمران)**»، دوفصلنامه مطالعات تأویلی قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، ص ۸۴-۱۰۳.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). **الکافی**، قم، دارالحدیث.

۲۹. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). **تفسیر فرات الکوفی**، تهران، مؤسسه الطبع و نشر، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.

۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۳۱. المصری، احلام و ماهر وزاده، طاهره (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «**قاعده جری و تطبیق**

در تفسیر آیات مهدویت»، فصلنامه موعود پیژوهی، شماره ۶، ص ۴۳-۵۹.

۳۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). **الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد**، قم، کنگره شیخ مفید.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). **الغیبة للنعمانی**، تهران، نشر صدوق.

۳۶. نجارزادگان، فتح الله (۱۴۰۱). **علوم قرآنی ۲ (اعجاز، تحریف ناپذیری)**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳۷. نفیسی، شادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۲). «**مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبائی**»، مجله قرآن شناخت، شماره ۱۲، ص ۵-۲۶.

